

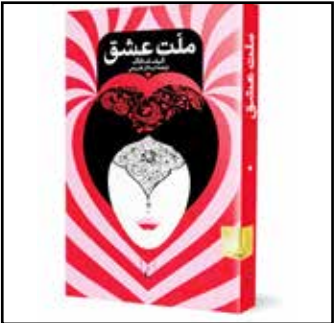
نقد

«ملت عشق»؛ فاخر یا عامه پسند

آبان مصدق

در پی آمار بالای بیشترین جست و جو در سایت نمایشگاه کتاب و جست و جوی حضوری از اطلاعات نمایشگاه و همچنین آمار فروش بالای رمان «ملت عشق» در ایران و شکستن رکورد فروش این رمان در ترکیه، ضروری دانسته شد که نقد و بررسی ستون این شماره به این رمان ترکی اختصاص یابد.

رمان «ملت عشق»، تألیف الیف شافاک و با ترجمه ارسلان فصیحی را نشر ققنوس منتشر کرده است که در سال ۹۸ به چاپ نود و پنجم رسیده است. الیف شافاک در سال ۱۹۹۸ نخستین رمان خود با عنوان «پنهان» را به چاپ رساند و برای آن موفق به دریافت جایزه بزرگ مولانا شد و تاکنون ۱۶ رمان منتشر کرده است. آثار الیف شافاک به ۴۰ زبان زنده دنیا ترجمه و چاپ شده است. رمان مورد بحث ما، در ترکیه با عنوان «عشق» و در ایران تحت عنوان «ملت عشق» ترجمه شده است که در سال ۲۰۰۹ در ترکیه به چاپ رسید و در کوتاه ترین زمان به پرفروش ترین کتاب ترکیه تبدیل شد. این رمان برای مخاطب عام نوشته شده است که در آن دو داستان به موازات هم پیش می روند؛ داستان نخست، داستان خانواده «روبینشتاین» است که خانواده ای مرفه هستند که در آمریکا زندگی می کنند؛ داستان دوم، یک داستان تاریخی-عرفانی است که روایت ملاقات شمس و مولانا و اتفاقات و روابط پس از آن را به تصویر می کشد و چون از صافی تخیل نویسنده عبور کرده است، نباید انتظار داشت که تمام محتوای آن منطبق با اطلاعات تاریخی باشد.



مضمون و درونمایه این رمان عشق است. عشق در داستان نخست رمان، زمینی و مجازی است و در واقع پلی به سوی حقیقت است، اما درونمایه داستان شمس و مولانا، عشقی آسمانی و معنوی است که بالقوه در وجود هر انسانی به ودیعه نهاده شده است. در رمان «ملت عشق» ۲۰ شخصیت نقش آفرینی می کنند که هر کدام از این شخصیت ها پازل داستان را کامل می کنند. اما «شمس تبریزی» در این رمان سیمایی مسیح گونه و در برخورد با طبقات پست و فرو دست جامعه نیز رفتاری بزرگ-منشانه و در عین حال ساختار شکنانه دارد.

مضاف بر آن، سخنان شمس از نوع سخنان قدیسان و انبیا و اولیای الهی است که تعبیر پذیر و قابل تفسیر است. جانمایه اصلی رمان بر اهمیت عشق و نقش و تأثیر آن در زندگی و حیات ظاهری و باطنی انسان تأکید می کند. رمان می خواهد بگوید که همه انسان ها باید زیر چتر ملت عشق گرد هم بیایند و با رعایت ۴۰ قاعده و قانون شمس تبریزی، عشق و انسانیت را به کمال غایی خود برسانند. اما نگاه شرقی و عرفان شریقی به مسئله «عشق» نا پخته و در سطح باقی مانده است. اطلاعات تاریخی درباره ارتباط شمس و مولانا دقیق نیست و تحقیقات و غوری درباره زندگی این دو چهره بزرگ تاریخی صورت نگرفته است. نکته دیگر این که رمان حرف تازه ای برای گفتن ندارد و بدون پی گرفتن سبک و روایتی نو در ادبیات، به مضمونی تکراری، بدون ساختار شکنی و ویژه ای پرداخته است. در واقع اگر همین برداشت غیر دقیق از زندگی شمس و مولانا را از رمان بگیریم، از حد و اندازه یک رمان عشقی خطی بیشتر نمی رود.

هر ساله بازار راه رسیدن کتاب های جدید، با تصویر های تازه و تغییرات در مطالب آن، حتی در حد تغییر بیهوده یک درس، دانش آموزان مجبور می شوند که کتاب نو تهیه کنند و کتاب های سال گذشته را بدون دلیل و به عنوان کالایی بی ارزش و بی نیاز دور بیندازند. صرفی که به قیمت صرف میزان زیادی از بودجه خانواده ها تمام می شود؛ تاریخ مصرفی که استفاده این کتاب ها توسط دانش آموزان کم بضاعت را غیر ممکن می کند، در حالی که می توانست میزان زیادی از بار هزینه تحصیلی را از دوش آن ها بردارد تا حداقل تعداد بیشتری کودک از نعمت سواد برخوردار شوند. همان طور که گفته شد، به این هزینه ها باید کتاب های کمک درسی مدام در حال تغییر و کتاب های تکنوری را که به سرعت از رده خارج می شوند نیز اضافه کرد. در حال حاضر سرعت افزایش قیمت کاغذ و رشد ۲۲ درصدی آن زمینه های نگرانی حذف کامل کتاب از سبد ایرانیان را فراهم کرده است. ادامه چنین شرایطی، روند ترک تحصیل کودکان و افزایش آمار بی سوادی و به تبع آن سقوط در نمودار پیشرفت فرهنگ و اقتصاد و جامعه، صنعت و سیاست را در پی خواهد داشت. از دیگر سسوها نهادینه شدن فرهنگ استفاده از کتاب سالمی که در سال گذشته توسط فرد بزرگ تر در خانواده و یا اقوام مورد استفاده قرار گرفته، ضروری به نظر می رسد. دانش آموزان باید یاد بگیرند که کتاب راز کالاهای لوکس یا اسباب بازی ها متمایز بدانند و به خریدن کتاب نو اصراری نداشته باشند. دانش آموزان باید یاد بگیرند که نگاهشان را نسبت به کتاب های درسی یا غیر درسی تغییر دهند و به آن به عنوان کالای با ارزش بنگرند و به محتوای آن تکیه کنند، نه این که صرفاً در شروع سال تحصیلی کتابی نو در دست بگیرند. اما نکته دیگر، تعداد زیاد کتاب های درسی در ایران است که هر ساله هم با ابتکارات بی دلیل و بی هدف، رو به افزایش است. روندی که تنها نتیجه اش سنگین تر کردن کوله پشتی دانش آموزان و حمل و نقل هر روز آن ها و در نتیجه ایجاد مشکلات ستون فقرات و استخوان برای دانش آموزان است که نه تنها از دوران کودکی گریبان آن ها را می گیرد، بلکه در سال های بعد از آن نیز حادث خواهد شد. اگر بیشتر به این مسئله مهم پرداخته نشد، اکنون گرانی حیرت آور کاغذ باید ساز و کار چاپ کتاب های درسی را دستخوش تغییرات اساسی کند، در غیر این صورت عواقبی به مراتب بدتر در انتظار کلیت جامعه خواهد بود.

نفر در دوره ابتدایی، ۳ میلیون نفر در دوره اول متوسطه و ۵/۲ میلیون نفر در دوره دوم متوسطه مشغول به تحصیل هستند. آموزش زبان و ادبیات فارسی با عناوین کمابیش مشابهی (مانند؛ بخوانیم، بنویسم، فارسی، نگارش فارسی، ادبیات فارسی، زبان فارسی و...) در برنامه درسی تمام پایه های تحصیلی -از پایه اول تا دوازدهم - گنجانده شده و هر دانش آموزی، یک جلد کتاب با یکی از این عناوین را دارد و می توان گفت که ۱۳ میلیون و ۵۰۰ هزار جلد از این کتاب ها در پایان سال تحصیلی، دور انداخته شده و راهی سطل های زباله می شوند و در بهترین حالت سر از مراکز بازیافت درمی آورند. آموزش ریاضی هم تقریباً همین حالت را دارد و از پایه اول ابتدایی تا پایان تحصیلات متوسطه جزء برنامه آموزشی بوده و دانش آموزان تمام رشته های دوره دوم متوسطه حتی آن هایی که رشته تحصیلی شان علوم تجربی و ریاضی نیست، ناگزیر از خواندن این ماده درسی هستند. به این ترتیب ۱۳ میلیون و ۵۰۰ هزار جلد کتاب درسی ریاضی هم به سر نوشت کتاب های درسی فارسی دچار خواهند شد. کتاب درسی دینی هم با عناوین مختلفی (از قبیل هدیه های آسمان، پیام های آسمانی، دین و زندگی و...) از پایه دوم ابتدایی تا پایان دوره دوم متوسطه جای ثابتی در برنامه آموزشی داشته و هر دانش آموز یک جلد از این کتاب را در کوله پشتی خود دارد. پس بیش از ۱۳ میلیون جلد کتاب دینی هم در پایان سال تحصیلی راهی سطل های زباله و در خوش بینانه ترین حالت، راهی مراکز بازیافت خواهند شد.

سقوط آمار سواد در ایران
حال این پرسش مطرح می شود که چرا با صرف چنین هزینه ای، که تنها یک سال را به کارشناسی درست کتاب های درسی اختصاص نمی دهند تا مطالب مورد نیاز دانش آموزان کاربردی تر و اصولی تر در اختیار آن ها بگیرد و تاریخ مصرف این مطالب به زودی سر نرسد؟ هر ساله با از راه رسیدن کتاب های جدید، با تصویر های تازه و تغییرات در مطالب آن، حتی در حد تغییر بیهوده یک درس، دانش آموزان مجبور می شوند که کتاب نو تهیه



دانش آموزان باید یاد بگیرند که کتاب را از کالاهای لوکس یا اسباب بازی ها متمایز بدانند و به خریدن کتاب نو اصراری نداشته باشند

لحاظ استقامت وجود دارد. اما در این که تمام کتاب های درسی با هر اسم و عنوان و محتوا و با هر میزان کیفیت و استحکام، همزمان با اتمام سال تحصیلی، راهی سطل های زباله می شوند، شکی نیست؛ ولی انگار بیان این واقعیت، به درک فاجعه کمکی نمی کند و کسی نسبت به سر نوشت نهایی این همه محصول فرهنگی و هدر رفتن این ثروت هنگفت نگران نیست. بنابراین شاید بیان مسئله به صورت جزئی به درک مسئولان این حوزه کمک کند. برای این کار، کافی است آمار دانش آموزان را به تفکیک دوره تحصیلی بررسی کنیم.

آماری که در ایران شگفتی به بار آورده است

امسال مدارس کشور پذیرای ۱۳ میلیون و ۵۰۰ هزار دانش آموز است که از این تعداد، تقریباً ۸ میلیون

کتاب های درسی، برای این که به موقع و بدون تأخیر در اختیار آنان قرار گرفته است. سال قبل هم آمارها تقریباً همین بود و سال های پیشتر نیز آمار به همین ترتیب بوده است. با این آمار، همه ساله تقریباً این تعداد کتاب درسی چاپ و در میان دانش آموزان توزیع یا بهتر است بگوییم به آن ها فروخته می شود و مبلغی از درآمد خانواده ها را به خود اختصاص می دهد.

جنگل ها رو به پایان هستند

بدون تردید چاپ و آماده سازی این همه کتاب درسی، کاری بسیار دشوار، حجیم، وقت گیر و هزینه بر است، اما تکرار همه ساله این کار، عجیب نیز هست و عجیب تر از آن، دور ریختن یک باره آن همه کتاب در پایان سال تحصیلی بدون بهره گیری مطلوب از آن ها و تکرار همه ساله این چرخه مضحک است. نکته جالب توجه و قابل تأکید این است که با این که برای چاپ این کتاب ها بهترین کاغذ و مرکب و چسب استفاده می شود، اما همه آن ها یک بار مصرف بوده و بعد از اتمام سال تحصیلی به کلی دور ریخته شده و در بهترین حالت، راهی مراکز بازیافت می شوند. این میزان از انرژی و کاغذ هایی که نتیجه قطع درختان است، میزان زیادی زمان برای کارشناسی محتوای درس ها، صرف این همه وقت و انرژی و هزینه و ماد اولیه و تحمل آن همه زحمت برای چاپ، بالغ بر ۳۰ میلیون جلد کتاب یک سال مصرف، واقعاً بهت آور است و هیچ توضیح منطقی ای برای آن وجود ندارد. بنا به اظهارات مسئولان

میلیون جلد کتاب چاپ شده و به موقع و بدون تأخیر در اختیار آنان قرار گرفته است. سال قبل هم آمارها تقریباً همین بود و سال های پیشتر نیز آمار به همین ترتیب بوده است. با این آمار، همه ساله تقریباً این تعداد کتاب درسی چاپ و در میان دانش آموزان توزیع یا بهتر است بگوییم به آن ها فروخته می شود و مبلغی از درآمد خانواده ها را به خود اختصاص می دهد.

بدون تردید چاپ و آماده سازی این همه کتاب درسی، کاری بسیار دشوار، حجیم، وقت گیر و هزینه بر است، اما تکرار همه ساله این کار، عجیب نیز هست و عجیب تر از آن، دور ریختن یک باره آن همه کتاب در پایان سال تحصیلی بدون بهره گیری مطلوب از آن ها و تکرار همه ساله این چرخه مضحک است. نکته جالب توجه و قابل تأکید این است که با این که برای چاپ این کتاب ها بهترین کاغذ و مرکب و چسب استفاده می شود، اما همه آن ها یک بار مصرف بوده و بعد از اتمام سال تحصیلی به کلی دور ریخته شده و در بهترین حالت، راهی مراکز بازیافت می شوند. این میزان از انرژی و کاغذ هایی که نتیجه قطع درختان است، میزان زیادی نیروی انسانی را نیز هدر می دهد و این دور باطل هر ساله تکرار می شود؛ تغییراتی که نتیجه ای جز سرگشتگی دانش آموزان و بلاتکلیفی آنان و ریختن پول به جیب سودجویان در مؤسسات آموزشی کشور به دنبال ندارد. کشوری که به دلیل نداشتن منابع جنگلی و کویری بودن و مشکلات اقتصادی باید برای هر ریال هزینه برنامه ریزی دقیق و کارشناسانه ای داشته باشد، هر ساله مقدار زیادی کتاب درسی را به زباله تبدیل می کند، بدون این که دانش آموزان سال بعد در همان خانواده یا اقوام نزدیک و یا حتی خانواده های کم بضاعت بتوانند از آن ها کتاب ها دوباره استفاده کنند. هر ساله ۱۳ میلیون و ۵۰۰ هزار دانش آموز در سه مقطع و دوازده پایه تحصیلی مشغول به تحصیل اند و برای این تعداد دانش آموز، ۱۳۸

عدم کارشناسی دقیق برای تولید محتوا و سلیقه ای برخورد کردن با موضوعات درسی دانش آموزان، موجب تغییرات مکرر در کتاب ها و در نتیجه آن تغییر و چاپ مجدد کتاب های کمک درسی و به تبع آن کتاب های کنکور شده است

